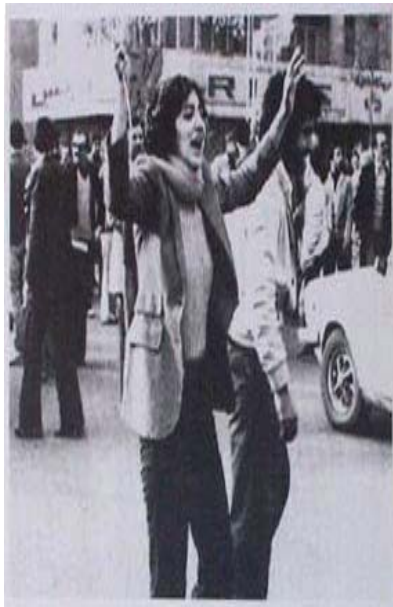


سردبیر: فواد عبداللهی foadsjk@gmail.com
دبیر سازمان: جمال کمانگر jamalkamangar@yahoo.com

چهارشنبه ها منتشر می شود! ۲ - اسفند ۱۳۸۴

www.jawanx.com

جوانان حکمتیست ۷۸



ستون اول

یک روز در مقابل یک جنبش بهنام سیگارودی

صبحت از روز ۱۵ فوریه است یعنی روزی که می توان آنرا اتحادی بین المللی برای حمایت از کارگران شرکت واحد دانست. با توجه به اخبار و گزارشاتی که در این روز به دست رسید، ما شاهد حرکات و اتفاقات بسیار وسیعی در سطح جهان بوده ایم؛ که این حرکات برای کسانی که خود را مخالف دولت اسلامی و از طرف دیگر مدافع حقوق طبقه کارگر می دانند بسیار باعث خوشحالی بود. نمی خواهم در ریز اتفاقات این روز وارد شوم و تنها می خواهم این حرکت را بسنجم.

جمهوری اسلامی که با تدبیر و از روی حماقت تاریخی خود برای بار چندم دست به اقدام امنیتی و حمله همه جانبه به کارگران شرکت واحد زده بود بار دیگر با مخالفت‌های نه تنها داخلی بلکه جهانی مواجه شد. البته مخالفان داخلی دائما تحت فشار بوده و هر بار که می توانستند و چشم دولت اسلامی را دور می دیدند به حرکتی دست میزدند، اما دامنه اتفاقات خارج از کشور بسیار وسیع تر بوده و می توانست آن فشاری را که مناسب بود بر رژیم بیاورد.

چیزی که مشخص است این است که جمهوری اسلامی رژیمی نیست که به خواست مردم سر کار آمده باشد و مشخصا با سرکوب و کشتار تا امروز پایدار مانده است و این چنین رژیمی همانطور که از سیاستها و رفتارها مشخص است بسیار وحشیانه ←

اگر در ذهن نسل گذشته، انقلاب ۵۷ و آرمان هایش تبدیل به یک "خاطره" شده است، من و هم نسلانم چنین "ذهنیتی" را نداریم. ما گرچه خاطره ای را نداریم و روزهای انقلاب را تجربه نکردیم. اما آن قیام را که اگر چه بعد از دو و سال نیم به خاک و خونش کشیده شد، هر چه بود و هر چه به نظر می رسد صحنه های از یک تجربه شور انگیز و انسانی بود. بر خلاف تصویری که تاریخ نویسان جعلی جمهوری اسلامی و "مفسرین" بخش فارسی BBC و کل سلطنت طلبان انقلاب ۵۷ مردم ایران را حرکتی کور و جنون آمیز برای روی کار آمدن خمینی معرفی می کنند و پیروزی اش را پیروی انقلاب "اسلامی" نامگذاری می کنند، و سعی می کنند که لباس کهنه اسلام را بر تنش کنند؛ با این حال هنوز نمی توانند آرمان و آرزوی مردمی که دیکتاتوری سلطنتی را واژگون کردند را کتمان کنند. هیچ کس نمی تواند این تصویر را از بین ببرد که این انقلاب، انقلابی بود شهری، با درجه زیادی از دخالت مدرنیسم شهر که ظاهرا بعد از انقلاب سفید در ایران پدیدار شده بود و از همه مهمتر دخالت طبقه کارگر برای حقی که از او دریغ شده بود. انقلاب ایران این بود، خیز مردمی بود که تشنه راهی از چنگ استبدادی که بر روی شان هایش سنگینی می کرد.

انقلاب نا تمام!

یادداشتی برای انقلاب ۵۷ علی راستین

این انقلاب حضور نداشته و تصویری از آن ندارد، آن انقلاب تمامی نیافته و شکست نخورده است. بلکه انقلاب ناتمامی است که باید به سرانجام خود برسد. اما اینبار با یک رهبری چپ، اینبار با نیرویی که دست او باش اسلامی را کوتاه کند و با نیرویی که بتواند دخالت مردم بر سرنوشتشان را رقم بزند، انقلاب آتی ایران را رقم خواهیم زد.

اما طنز تلخ تاریخ انقلاب ایران، این بود که انقلابیون آن قیام به شنیع ترین شکل توسط اسلامی که به حول و قوه الهی و البته خیرخواهی بورژوازی غرب به قدرت رسیده بود، سلاخی شدند. نسلی از شریفترین جوانانی را سلاخی کردند که اگر می ماندند شاید الان این جامعه شکل دیگری داشت. آری، انقلاب ایران بر متن یک نسل کشی «اسلامی» شد. قیام ۵۷، توانست غولی به نام طبقه کارگر را به صحنه بیاورد. اما فقدان رهبری چپ بر تحرکات کارگری و بطور کلی تر کل قیام شانس بیشتری به نیروهای مذهبی داد. اعوجاج چپی که نه مشی سیاسی اجتماعی ای داشت و نه برنامه ای برای سازماندهی و رهبری آن؛ و در برابر خمینی و اسلامش که دیگر آن روزها به برکت پر و بال دادن رسانه های غربی در ماه رویت می شد. دقیقا در چنین روندی بود که انقلاب ایران توسط نیروهای اسلامی مصادره شده و نهایتا به کشتن کشانده شد.

اما امروز، بعد بیست و هفت سال، برای جامعه ای که اکثریت عظیم آن در آن

با رهبران حزب

فاتح شیخ ص ۲

اعدام حجت زمانی را شدیدا

محکوم می کنیم!

اصلاحیه سازمان جوانان حکمتیست ص ۳

اوباشان اسلامی و

کاریکاتورهای کوچک

روزان احمدزاده ص ۲

تلاش برای وضع محدودیت

علیه کمونیستها

جمال کمانگر ص ۴

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

با رهبران حزب



جوانان حکمتیست: برخی اینطور طرفدار حمله آمریکا به ایران هستند به این دلیل که می گویند "حمله نظامی به ایران بالاخره جمهوری اسلامی را می اندازد و آن موقع فضای بازتری برای فعالیت سیاسی و بیان مطالباتمان آماده می شود". با توجه به اینکه این تحلیل یک گرایش در میان جوانان است، ابتدائاً توضیح دهید که ریشه چنین برداشتی در چیست؟ چقدر واقعی است؟ و پاسخ شما چیست؟

فاتح شیخ: اجازه بدهید اول دو جزء (مقدمه و نتیجه) "تحلیل" را نگاه کنیم و بسنجیم، بعد راجع به ریشه اش و درجه واقعی بودن و نبودنش صحبت کنیم.

۱- اینکه گویا بالاخره حمله نظامی به ایران جمهوری اسلامی را می اندازد، جای سوال جدی است. ممکن است بیندازد. ممکن هم هست نیندازد که هیچ به عمرش هم اضافه کند. واقع بینانه اگر نگاه کنید آمریکا و متحدانش امکان حمله نظامی گسترده آنطور که به عراق کردند را ندارند. امروز با قبل از جنگ عراق خیلی چیزها در دنیا و منطقه فرق کرده. تناسب نیرو بین آمریکا و جمهوری اسلامی در منطقه عوض شده (بشدت به زبان آمریکا). آمریکا دستش در این زمینه خیلی کمتر از فرضا سه سال قبل باز است. احتمال حمله نظامی موضعی یا موردی بطور واقعی بیشتر است ولی این هم، توسط آمریکا یا اسرائیل، جمهوری اسلامی را نیندازد به عمرش اضافه میکند. نظر من از اولین تهدید نظامی بوش در سال ۲۰۰۲ یعنی از یکسال قبل از جنگ عراق، این بوده و بعد از جنگ عراق و امروز با قطعیت بیشتر این را میگویم. ولی حالا بیاییم امکان دیگر را بسنجیم. حتی اگر حمله نظامی جمهوری اسلامی را هم بیندازد سوال جدی اینست که آیا بعدش اوضاع به نفع مردم خواهد بود؟

۲- جواب طرفدار حمله نظامی مثبت است. جواب من منفی است. او میگوید: "آن موقع فضای بازتری برای فعالیت سیاسی و بیان مطالباتمان آماده می شود". من میگویم با توجه به آرایش سیاسی امروز ایران، یعنی نیروها و احزاب و کاراکترهای سیاسی داخل حکومت و در اپوزیسیون، اگر جمهوری

اسلامی با قیام مردم نیفتد و بلافاصله مردم متحد و قدرتمند اوضاع را در دست نگیرند، بعد از سقوط جمهوری اسلامی با حمله نظامی آمریکا، اوضاع میتواند برای مردم به مراتب بدتر از حالا باشد. هزار جور جانور باقیمانده از جمهوری اسلامی به اضافه انواع گانگسترهای جان گرفته از حمله نظامی آمریکا میریزند فضا را جهنم رواندا و عراق میکنند. حتی اینکه بخشهایی از مردم محتاطند که بریزند و جمهوری اسلامی را بیندازند بخاطر اینست که از آینده مطمئن نیستند، نگرانند. چون هنوز قدرتی که از خود مردم و مدافع منافع مردم باشد و آنقدر نیرومند که بتواند از عهده چنان اوضاعی برآید را در صحنه نمیبینند. پروژه "گارد آزادی" ما برای جواب دادن به این واقعیت است. مخالفت قاطع با حمله نظامی آمریکا و تلاش با تمام قوا برای ایستادن در برابر آن و مانع شدنش یا کسب قدرت خنثا کردن اثراش اگر صورت گرفت، این هم جواب ما به همین واقعیات است. عراق نمایشگاه خونین این تجربه در جلو چشم همه ماست. بدون توهم به چشم واقعیت عراق باید نگاه کرد و جلو تکرار آن در ایران را باید گرفت.

۳- ریشه این برداشت به نظرم احساس ناتوانی، بیقدرتی، استیصال، یاس از توان خود برای انداختن جمهوری اسلامی است که بطور واقعی بین بخشهایی از مردم وجود دارد. توپخانه تبلیغی آمریکا و غرب و دارودسته های فدرالیست چی و قومپرست که در آرزوی حمله نظامی آمریکا آب از لب و لوجه شان میریزد هم این یاس را دامن میزنند تا توهم به رهایی بخشی آمریکا را باد بزنند. از طرف دیگر هارت و پورت جمهوری اسلامی و رفتنش پای

یک روز در مقابل...

حرکت و درک یک ضرورت ما را به سمت بیان این گفته ها و شاید زنده کردن یک مبارزه تاریخی می رساند. موضوع متشکل شدن با خط سیاسی سرنگونی خواهی حول یک پلتفرم چپ را باید در یافت. در گذشته در خارج از کشور بهترین شکلش را در یک جمعیت دانشجویی و فعالین می یابد که ما را به یاد کنفدراسیون دانشجویان در زمان حکومت پهلوی می اندازد که بسیار واکنش های خوبی از خود نشان می داد و بدون واهمه ای به هر شکل که می توانست بیشترین ضربه را به این حکومت وارد ساخته و از مبارزین داخل حمایت می کرد. در واقع شاید این حرکت و آغاز برای بسیاری توجیه ناپذیر باشد اما ضرورت آن در داخل بسیار حس میشود.

اما برگردیم به ۱۵ فوریه که البته تنها حرفی که در ارتباط با آن باقی می ماند، تبریک گفتن به کلیه فعالین این روز و تمام کسانی است که برای آن زحمت کشیده اند. و باید دانست که اگر حمایت های همه جانبه از خارج از کشور و سازمان ها و پخش دقیق اخبار از داخل نبود کارگران شرکت واحد اکنون در زیر چنگال این رژیم پست و ارتجاعی نابود می شدند و اگر حتی به خواست هایشان هم نرسند ما می دانیم که اکنون تمام آنها به ماهیت ننگین و کثیف این رژیم پی برده اند و آگاهانه تر به مسائل می نگرند و همین برای ما یک پیروزیست.

به هر چیزی حمله میکند. و دقیقاً خصوصیات یک جانور اسلامی را از خود نشان میدهد. در همین اوضاع از طرفی درگیر مسئله اتمی اش شده است و از هر سوراخی برای تو رفتن استفاده میکند و به دنبال یاران موافق می گردد. بر همین اساس فشار آوردن به رژیم اسلامی در این زمان بسیار اهمیت می یابد.

البته در هر دوره ای اهمیت خاص خود را دارد اما امروز و با توجه به روند رو به افزون شکل گیری جنبش ها و حرکات مردمی که در قالبهای کارگری، دانشجویی و صنفی که هر روز بیش از گذشته نمو می یابد، ما نیازمند یک جمعیت سازمان یافته و متشکل در خارج از مرزها هستیم که بتواند با استفاده از امکانات آن سوی مرزها حمایتش را از جنبش های داخل نشان داده و قطبی مخالف را در مقابل جمهوری اسلامی علم کند. اگر چه سازمانها و گروه های مخالف دولت در خارج از کشور با تمام قوا نیروی خود را بکار می برند اما ما در کنار این نیروها نیاز به یک نیروی متشکل سرنگونی خواه با خط معین سیاسی "چپ" هستیم.

بر همه مشخص است که یک حرکت اعتراضی در داخل به چند حرکت در خارج از کشور می ارزد، اما ارزش این

بهرترین راه اینست که به سیاست های روشن حکمتیستها توجه کنند، سعی کنند آنها را درک کنند و عملی کنند، این سیاست های روشن برای آنهاست و در اختیار آنها هست؛ چه در برابر بحران اتمی، چه در ارتباط با سرنگونی جمهوری اسلامی ("منشور سرنگونی") و چه مخصوصاً در مورد ساختن "گارد آزادی" در محل زندگی و کار و تحصیل و هر جا که هستند. خطر کاملاً جدی است. دیر جنبیدن بزرگترین اشتباه است. باید سریع کاری کرد که قدرتمند شویم و احساس قدرت، و اعتماد به خود جای احساس ناتوانی را بگیرد.

ماجراجویی اتمی و غیره هم به سهم خودش این ترس و یاس را تقویت میکند. ۴- چقدر واقعی است؟ و پاسخ ما چیست؟ به نظرم به درجه ای واقعی است. واقعی اگر به همین حال بگذاریم و غیرواقعی میشود اگر به آن جواب واقعی بدهی. جواب درست اینست: آن کسی که نگران بیقدرتی مردم است باید فعالانه برود دنبال باقدرت کردن مردم. باید راهش را پیدا کند، جلوی پای مردم بگذارد، مردم را با توضیح صمیمانه و صبورانه و روشن به فهم و درک آن برساند و بلافاصله نیروی مردم آگاه و آماده را برای عملی کردن آن سازمان دهد. راه حل مشخص ما "گارد آزادی" است. برای اینکه مردم نیرومند شوند، بتوانند در تحولات سیاسی نقش داشته باشند و از منافع خودشان در برابر این خطرات واقعی دفاع کنند، به نظر من



نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

اوباشان اسلامی و کاریکاتورهای کوچک

روژان احمد زاده



آیا چاپ چند کاریکاتور احساسات اوباشان اسلامی را جریحه دار کرده است یا کل نظام و موجودیت اسلام را؟

اوباشان اسلامی به ارباب، شکنجه، جنایت و تحقیر و توهین به ارزشهای انسانی و حقوق آزادیخواهانه زنان و مردان آزادیخواه هیچی اعتراض ندارند، به سنگسار هزاران زن، به قطع دست و پای انسانها معترض نیستند. تجاوز به دختران ۸ یا ۹ ساله، چند همسری مردان و خرید و فروش زنان را شرعی وبدون اشکال می بینند. تن فروشی هر روزه صدها زن در ایران اسلام زده بعلت نداشتن کار و امکانات زندگی برای مسئولان مرتجع اسلامی اصلا مشکلی را ایجاد نمی کند. همین حاکمان اسلامی هزاران نفر از مبارزان راه آزادی را دسته دسته به جوخه اعدام سپردند و زیر شکنجه له کردند بدون اینکه به روی خود بیاورند. همین حالا هم صدها نفر از کارگران، دانشجویان و مخالفان نظام اسلامی در سلولهای اداره اطلاعات زیر شکنجه های وحشیانه ماموران تام الاختیار خدا دارند زجر می کشند.

در این اوضاع واحوال نمایندگان محمد حاکم بر سرنوشت مردم دم از حقوق بشر اسلامی می زنند و دیگر کشورها را به نقض حقوق بشر متهم می کنند. حتی خواهان فرستادن هیئت حقوق بشر اسلامی (تروریستهای آدم کش) به کشورهای اروپائی میشوند. تا وضعیت حقوق بشر در اروپا را مورد بررسی اسلامی قرار دهند.

اوباشان حزب الله به بهانه چاپ چند کاریکاتور به سفارت خانه ها حمله کرده و آنها را به آتش می کشند و از دولتها میخواهند قلمها را بشکنند و نویسندگان را زندانی کنند. حتی برای کشتن نویسندگان از طریق نمایندگانشان در افغانستان جایزه چند میلیون دلاری اعلام می کنند. این جنجال و آشوب توسط جریانات و دولت های اسلامی سازمان یافته است ربطی به مردم آزادیخواه و منتفر از چرندیات اسلام و حکومت الله ندارد. اینها باندهای سازمان یافته ارتجاع اسلامی اند که حاضرند برای چند صد

دلار انسانها را به سیخ بکشند. از این نیروهای ارتجاعی نباید انتظاری بیش از این داشت. مردم ایران سرکوب، ارباب، ترور سنگسار زنان را به چشم خود دیده اند و ماهیت حکومت اسلام را بخوبی درک کرده اند. مردم ایران میدانند اسلامی ها دهها باند مسلح را در سطح جهان سازمان داده اند. میدانند سردمداران اسلام با توسل به ترور و جنایت و سرکوب زندگی مردم کشورهای اسلام زده را به گروگان گرفته اند. ما مردم ایران میدانیم حاکمان اسلامی از نوجوان ۸ ساله نیز برای پیشبرد عملیات تروریستی و حتی ارضای تمایلات جنسی خودشان نمیگذرند (تجاوز محمد به عایشه ۸ ساله فقط یک نمونه از جنایات اسلامی است). زوزه کشیدن مرتجعین اسلامی فریبی بیش نیست.

مردم مترقی غرب با یک دنیا مبارزه با یک دنیا تلاش موفق شده اند آزادی بیان و عقیده را هرچند کم بدست بیاورند ارتجاع هار اسلامی سعی در باز پسگیری این آزادی های بدست آمده مردم اروپا را هم دارد.

جنبش آزادیخواهی باید با مبارزه آگاهانه خود توحش اسلامی را سرچایش بنشانند. باید به این انگلهای اجتماع فهماند که زوزه کشیدنهای اسلامی برای همه آشنا است. باید وادارشان کرد که به آزادی فکراسانها و حقوق انسانیشان احترام بگذارند. این کار از دست مردم آزادیخواه ساخته است.

زنده باد آزادی بیان و عقیده!
نابود باد ارتجاع مذهبی!

اعدام حجت زمانی را شدیداً محکوم می کنیم!

خانواده حجت زمانی، زندانی سیاسی زندان رجایی شهر کرج (کوهردشت) خبر دادند که سرانجام جلدان اسلامی او را اعدام کرده اند. رژیم اسلامی ۵ سال است کابوس اعدام را بر سر حجت زمانی و خانواده اش گرفته بود. این جنایت شنیع از نظر هر انسان آزادیخواهی شدیداً محکوم است. رژیم جانین اسلامی را به خاطر اعدام حجت زمانی و دهها هزار فعال سیاسی دیگر باید از جامعه جارو کرد.

سرتاسرحیات ننگین این رژیم جنایت و کشتار و خفقان بوده است. اما اعدام حجت زمانی در این شرایط جزئی از دست و پا زدن رژیم برای تحکیم خفقان و ارباب اسلامی در برابر مردم معترض و بجان آمده است. با گسترش مبارزه برای سرنگونی این رژیم جنایتکار باید کاری کرد که نه اعدام حجت زمانی و نه سرکوب کارگران شرکت واحد نتواند جمهوری اسلامی را از نابودی حتمی نجات دهد ما انزجار خود را از این جنایت آشکار اسلاميون حاکم علیه زندانیان سیاسی اعلام می داریم و با خانواده و بستگان حجت زمانی ابراز همدردی می کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تلاش برای وضع محدودیت علیه کمونیستها



جمال کمانگر

ماه گذشته پارلمان اروپا به محکومیت آنچه "جنایات دولتهای توتالیتر کمونیستی" خوانده می شود، رای داد. تصویب چنین طرحی که یک نماینده دست راستی از سوئد پشت آن بود، نشان داد که بر خلاف هیاهوی "پایان کمونیسم"، شبیح کمونیسم بعنوان بدیل نظام سرمایه داری همچنان سنگینی خود را بر سر بورژوازی حفظ کرده است. قدمت تلاش برای الصاق کمونیسم به استالین و سپس محکوم کردن آن به بیش از ۵۰ سال میرسد. اما این تلاش سازمان یافته علیه کمونیسم آنهم در این سطح نشان می دهد که شبیح کمونیسم همچنان در اروپا و جهان در گذشت و گذار است.

دقت در جزئیات تعرض جدید به کمونیسم به روشنی ترس از حقانیت کمونیسم مارکسی را اثبات می کند. برای مارکس کمونیسم سلب وضع موجود و تلاش برای تغییر دنیا به نفع بشریت است. هر چقدر هم پارلمان اروپا علیه کمونیسم و مارکس قانون وضع کند، بشر قرن ۲۱ هنوز برای تغییر دنیا به مارکس و کمونیسم او نیاز دارد.

تلاش نمایندگان دست راستی برای قرار دادن روزهایی بعنوان یادبود و یا تدریس دروس ضد کمونیستی در مدارس رأی کافی نیارورد و شکست خورد. اما نمایندگان دست راستی امثال لیند باله پنهان نمی کنند که دنبال غیر قانونی کردن احزاب کمونیست هستند که البته بعید است زورشان برسد. بعد از نیمه دوم دهه نود تمام تئوریهای من درآوردی امثال فوکومایا در مورد "مرگ کمونیسم" و "پایان تاریخ" فقط چند سال به طول

اجتماعی در بطن جامعه هست و خواهد ماند. گاهی مبارزه بی سر و صدا و گاهی جهانبگیر است. جا دارد که تلاش بیشترمانه اتحادیه اروپا علیه کمونیسم را با جمله پایانی مانیفست کمونیست پاسخ دهیم که: بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند. کارگران در این میان چیزی جز زنجیر خود را از دست نمی دهند اما جهانی را بدست خواهند آورد.



از این سایت ها دیدن کنید:

www.javanx.com
www.hekmatist.com
www.oktoberr.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

تماس با ما

دبیر سازمان: جمال کمانگر
jamalkamangar@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

مسئول دبیر: فواد عبداللہی
foadsjk@gmail.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

بهرام مدرسه
bahramsjk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
 فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۳۲۲۶۱۱۳

انجامید. به زودی سئوالات جدی در مورد دنیا بعد از شکست بلوک شرق و جهان تک قطبی روبه روی جامعه قرار گرفت. در طول ۱۵ سالی که رسماً "مرگ کمونیسم" توسط بورژوازی اعلام شد، دنیا به دورانی از ناامنی و جنگ و کشتار بازگشته که می توان گفت یکی از تاریکترین و هولناکترین دوره های تاریخ بشر بوده است. تصویر نسل کشیها در پایان قرن بیستم در اروپا و آفریقا و سایر نقاط دیگر جهان سیگنالی است که هر انسان متمدنی را با این سئوال روبه رو میکند که پیروزی بازار آزاد و روبنای سیاسی فرهنگی آن و تمسخر ایده های برابری طلبانه چه جانورانی را به جلو صحنه رانده است. به بوش و شارون، به خامنه ای و بن لادن، به ملا عمر و دهها کاراکتر دیگر که صحنه گردان تباهی فیزیکی و معنوی بشر در دنیا هستند توجه کنید. بعد

هنوز هم بیشترمانه انقلاب اکتبر و ایده های انسانی آن را به عنوان "شیطان" جلوه میدهند. به جرأت میتوان گفت که بدون انقلاب اکتبر و بدون ایده های انسانی آن، بشر دستاوردهای تكنولوجی را هم نداشت. فروپاشی نظام سرمایه داری، که بر بردگی مزدی استوار است، آلترناتیوی می خواهد! آلترناتیوی که بتواند تمام نابرابری ها را زیر و رو کند. نه "اسلام سیاسی" و نه "اقتصاد بومی" کشورهای کمتر توسعه یافته می توانند در مقابل امپریالیسم قد علم کنند اینها خود بخشی از این سیستم اما بخش عقب مانده تر آن هستند. بار دیگر دنیا دنبال کمونیسم مارکس میروود و چاره ای ندارد. البته این به خودی خود انجام پذیر نیست و باید آدماهایی معین این کار را بکنند. احزاب کمونیستی کارگری که پرچمشان مانیفست و تئوری کمونیسم مارکس است باید به میدان بیایند. در چنین شرایطی است که بار دیگر توجه به مارکس و لنین به صورت مسئله احادی از مردم تشنه آزادی تبدیل خواهد شد. میلیاردها مردم جهان نه تنها از وضع موجود راضی نیستند بلکه دنبال خلاصی از این وضع هستند.

تلاش برای وضع محدودیت علیه کمونیسم در این شرایط بسیار حیاتی است. اگر سرخ بلوک شرق برویم باز جنایت و نسل کشی اروپای غربی در دوره استعمار که تازه در دهه ۷۰ قرن بیستم به پایان رسید در قبال بشریت صدها برابر از جنایات استالین بیشتر است. بعلاوه ارتباط بین نازیسم و استعمار خیلی روشن است چون بر پایه برتری نژادی استوار است. به چند نمونه زیر که اسناد تاریخی هستند توجه کنید: در دوره استعمار آلمان اولین بار ترم "فضای حیاتی بیشتر برای آلمانها" و اردوگاهها در جنوب غربی آفریقا (نامیبیای کنونی) به کار گرفته شد. یک نسل کشی علیه مردم هیور و ناما به وقوع پیوست که تحت تأثیر مستقیم نظرات حزب نازی بود. در ابتدای قرن ۲۰ بیش از ۱۰ میلیون کنگویی در نتیجه کار اجباری و کشتار دست جمعی توسط استعمارگران بلژیک از بین رفتند. دهها میلیون در نتیجه استعمار شبه قاره هند توسط انگلیسیها آواره و کشته شدند. بیش از یک میلیون در نتیجه جنگ استقلال الجزایر توسط ارتش فرانسه کشته شدند. نمونه هایی که در بالا مطرح شد فقط در قرن گذشته رخ داده است. اگر صدها شوروری بیاید و برود تا زمانی که جدال بر سر کار و سرمایه وجود دارد تا زمانی که هنوز انسان باید برای مزد کار کند کمونیسم وجود دارد و کمونیسم به عنوان یک جنبش

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!